

نقش و جایگاه کلیسای ارتدوکس در نظام سیاسی روسیه (از سال ۱۹۱۷ تا ۲۰۱۰)

ناهیده کلاشی*

مربی دانشگاه الزهراء (س)

(تاریخ دریافت مقاله: ۸۹/۱۱/۹ - تاریخ پذیرش نهایی: ۹۰/۴/۲۸)

چکیده:

هدف اصلی این نوشته پی بردن به نقش و جایگاه کلیسای ارتدوکس در نظام سیاسی روسیه از سال ۱۹۱۷ تا ۲۰۱۰ م است. از همین رو، یک پرسش مطرح شد که چه رابطه‌ای میان کلیسای ارتدوکس و نظام سیاسی روسیه در این دوره وجود داشته است؟ و برای پاسخ به این پرسش هم یک فرضیه‌ی اصلی مطرح گردید: همکاری دولت با کلیسا همواره محدود بوده است و بر مبنای عدم دخالت در کار یکدیگر استوار است. افزون بر این، کلیسا نقش مهمی در حفظ و دفاع از هویت ملی، گسترش زبان و فرهنگ ملی داشته است. هویت‌بخشی برای روسیه یکی از کارکردهای کلیسا به شمار می‌رود. به عبارت دیگر، می‌توان گفت که هویت روسیه با مسیحیت ارتدوکس پیوند خورده است. برای بررسی فرضیه‌ی مورد نظر، از وضع قانون جدید «آزادی عقیده و عمل» در روسیه و رابطه‌ی دین و سیاست و رویکرد آن در غرب بهره گرفته شده است.

کلید واژه دین، سیاست، نظام سیاسی روسیه، کلیسای ارتدوکس

مقدمه

آشنایی با اقوام و ملت‌ها گامی بلند در پیشرفت به سمت هدفهای برین آفرینش بشر است، به طوری که پروردگار عالم در قرآن بارها بر سفر و آشنایی با سیر تحول اقوام دیگر تأکید فرموده است و در یکی از این آیات می‌فرماید: «آیا در زمین سیر نکردند تا ببینند سرانجام کسانی که پیش از آنان بودند چگونه بود؟ آنان نیرومندتر از اینان بودند

و زمین را زیور و کردند و بیش از آنچه اینان آباد کردند، آنان آباد ساختند، و پیامبرانشان همراه با (معجزه) دلایل روشن به سراغشان آمدند، (اما آنها انکار کردند و به قهر خدا گرفتار شدند) پس خداوند به آنان ستم نکرد، بلکه آنها بر خود ستم کردند». (أَوَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ كَانُوا أَشَدَّ مِنْهُمْ قُوَّةً وَأَثَارُوا الْأَرْضِ وَعَمَرُوهَا أَكْثَرَ مِمَّا عَمَرُوهَا وَجَاءَتْهُمْ رُسُلُهُم بِالْبَيِّنَاتِ فَمَا كَانَ اللَّهُ لِيَظْلِمَهُمْ وَلَكِن كَانُوا أَنفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ^۱). این سفارش ارزشمند الهی، موجب می‌شود از تجربه‌های دیگر مردمان برای پیشرفت همه جانبه بهره جست و با درس‌آموزی از عملکرد دیگران تمدن به دست آمده را حفظ نمود.

آیین مسیحیت، اولین آیینی است که بیشترین پیروان را از جمعیت روسیه به خود اختصاص داده و از این رهگذر دین اول و آیین رسمی فدراسیون روسیه شمرده می‌شود. پس از آن اسلام با بیست میلیون نفر پیرو، در رتبه‌ی دوم قرار دارد.

طبق قانون اساسی فدراسیون روسیه، ادیان مسیحیت ارتدوکس، اسلام، یهود و آیین بودایی از جایگاه رسمی برخوردارند و از امتیازاتی نسبت به دیگر مذاهب روسیه برخوردارند. مسیحیت ارتدوکس در روسیه نیز قدمتی بیش از ۱۰۰۰ سال دارد. به همین منظور لازم دانستم نقش و جایگاه کلیسای ارتدوکس را در نظام سیاسی روسیه مورد بررسی قرار دهم.

بخش اول: رابطه‌ی دین و سیاست در روسیه

الف. مدل نظری

در روسیه همواره رابطه‌ی نزدیکی بین کلیسا، مردم و دولت احساس می‌شود. کلیسای روسیه را نمی‌توان از فرهنگ و زندگی مردم جدا کرد. از سال ۱۹۹۰ م که مسیحیت، اسلام و ادیان دیگر در روسیه احیاء شده‌اند، روشنفکران و دانشمندان به دنبال مناسبات مطلوب دین و دولت بوده‌اند.

اساساً در باب مدل دین و دولت سه دیدگاه وجود دارد:

(۱) مدل کمونیستی که در زمان حکومت شوروی مطرح بود مدت هفتاد سال سیاست دولت روسیه این بود که دین اصلاً نباید در امور دولت دخالت کند و جای دین تنها در کلیسا است.

۱. آیه‌ی ۹ سوره‌ی روم.

۲) مدل آمریکایی - فرانسوی که در ۱۹۹۱ م پس از فروپاشی شوروی ارائه شد و افزون بر حفظ عناصر مدل قبلی، خواهان بی طرفی کامل دولت نسبت به دین بود.

۳) مدل مناسب دوره‌ی جدید: گام مهم در این راه، وضع قانون جدید «آزادی عقیده و عمل» بوده است که این قانون را در فدراسیون روسیه ارگانی تنظیم و تدوین کرد که از دو گروه، یعنی گروهی از سوی مجلس دوما و گروهی از سوی دولت، تشکیل شده بود.^۱

ب. بیان مسأله

بیشترین مردم روسیه پیرو کلیسای ارتدوکس هستند و هم اکنون این مذهب از جایگاه، قدرت و رونق خاصی در حیات دینی روسیه برخوردار است. کمتر نقطه‌ای را در شهرها می‌توان یافت که کلیسایی از قبل در آنجا وجود نداشته و یا به تازگی ساخته نشده باشد. اسقف اعظم روسیه به عنوان بالاترین مقام دینی این کشور در رسمی‌ترین دیدارهای سیاسی با رهبران بزرگ جهان حضور دارد و از سوی دیگر، بالاترین مقام رسمی کشور یعنی شخص رئیس جمهور، اسقف اعظم مسکو را حتی برای بازگشایی کلیساهای جدید همراهی می‌کند. مراسم و اعیاد بزرگ کلیسا به عنوان یک رویداد بزرگ در کشور تلقی شده و به طور مستقیم از شبکه‌ی سراسری تلویزیونی روسیه که در تمام جمهوریهای شوروی سابق نیز قابل دریافت است، پخش می‌شود و در نهایت، علل برخی از تعطیلات رسمی این کشور، ریشه‌های مذهبی و دینی به ویژه در باورهای مذهب ارتدوکس دارد.

ج. تعامل متقابل دین و سیاست

سیاست رشته‌ای است که عمدتاً در روابط هدفمند میان گروه‌ها به منظور استفاده مؤسسات از قدرت عمومی متمرکز جهت انجام خدمات اجتماعی و برآوردن نیازها به کار گرفته می‌شود.^۲ سیاست نشان‌دهنده‌ی دنیای گوناگون روابط فعالیت‌ها، رفتارها، جهت‌گیری‌ها، نگرش‌ها و روابط ارتباطی بین افراد به منظور اداره‌ی جامعه است، از

۱. بخشنده آبکنار، حمید، *نقطه نظرات کلیسای ارتدوکس روسیه در باب دین، صلح، آزادی و عدالت*،

دین و دولت، کشیش وِسولت چاپلین (Priest Vsevolod Chaplin)، دانشگاه ادیان و مذاهب.

<http://www.urd.ac.ir/cont.php?pid=102>.

2. Пугачев В.П., Основы политической науки. *Учебное пособие*. В 2-х ч. Ч.1, – М., 1995, стр. 85.

عوامل اصلی سیاست می‌توان به «گروه‌های اجتماعی و قومی» اشاره کرد که سازمان‌های سیاسی، نهادها، جنبش‌ها و رهبران جنبش‌ها منافع آنها را بیان می‌کنند.^۱ عناصر ساختاری سیاست شامل روابط سیاسی، آگاهی سیاسی، سازمان‌های سیاسی است.

مذهب دستگاهی از اعتقادات و آیین‌هایی است که به کمک گروهی از انسانها، به مسائل مربوط به ماوراء طبیعت و مقدّسات پاسخ و توضیح لازم را می‌دهند. عناصر تشکیل دهنده آن عبارتند از آگاهی دینی (معمولی و مفهومی، ایدئولوژیکی)، و فعالیت‌های دینی (عبادت)، نگرش‌ها و روابط مذهبی، سازمان‌های مذهبی است.^۲

همانطور که می‌بینیم، بین اجزای دین و سیاست می‌توان تشابه مشخصی را مشاهده نمود. در هر دو مورد سخن از روابط، آگاهی و سازمان‌ها است. اما نه تنها عناصر ساختاری دین و سیاست مشابه هستند. بلکه برخی عملکردهای این پدیده‌های اجتماعی هم با هم متشابهند.

نظم و یکپارچگی دو عملکرد مهم و ذاتی سیاست و مذهب است. سیاست، خواهان تأمین یکپارچگی نظام اجتماعی، ثبات و نظم اجتماعی، برای تنظیم روابط بین افراد و گروه‌های اجتماعی، برای کاستن از تناقضها و اختلاف‌نظرهای پیش آمده می‌باشد. مذهب هم عملکردهای مشابه سیاست را داراست. سیاست، پیاده سازی عملکردها و وظایف نام برده شده را بیشتر در جهت منافع قشر مشخصی از مردم یا جامعه را در کل انجام می‌دهد، مذهب هم به طور مشخص همین وظایف را به همین نحو انجام می‌دهد.

مذهب و نهادهای آن در زمره‌ی واحدهای سیاست به شمار نمی‌روند، چون آنها به منظور مبارزه با قدرت و یا برای انجام کارکردهای سیاسی قدرت ایجاد نشده‌اند. با این وجود، سازمانهای مذهبی و رهبران آنها اغلب وظایف سیاسی خود را انجام می‌دهند. یکی از این موارد می‌توان به تصمیم پاتریارک مسکو و سراسر روسیه آکسی دوم، در ارتباط با تکفیر همه‌ی متهمان خونریزی در اکتبر سال ۱۹۹۳ م در مسکو، اشاره کرد.

گزینه‌های اصلی در ارتباط با تعامل متقابل دین و سیاست که در طول تاریخ ما با آنها برخورد داشتیم بشرح ذیل است:

- وحدت، یکپارچگی دین و سیاست؛

- تبعیت دین از سیاست؛

- تبعیت سیاست از دین؛

- جدایی دین از سیاست، استقلال آنها نسبت به یکدیگر.^۳

1. Ирхин Ю.В. Политология. – М., 1996, стр.11.

۲. همو، ۶۰.

3. Нуруллаев А.А. О соотношении политики и религии, *Вестник Российской университета дружбы народов*. Сер.: Политология. – 2000, № 2, стр. 67

د. قانون و دین در روسیه

در سالهای اخیر هر گاه سخن از مشارکت کلیسا در زندگی اجتماعی پیش می‌آمد «عبارت کلیسا از حکومت جداست» به عنوان یک ویژگی، استفاده می‌شود، ولیکن بحث و جدلها در این رابطه حاکی از عدم آگاهی از آنچه که در قانون اساسی و قانون «آزادی وجدان» بیان شده است، می‌باشد، تمامی اسناد حاکی از وجود مذهب در مرز و بوم فدراسیون روسیه است. در صورتی که، عبارت «کلیسا از حکومت جداست» در قانون فدراسیون روسیه وجود ندارد.

در قانون اساسی اتحاد جماهیر شوروی سابق سال ۱۹۷۷ م (ماده ۵۲) آمده است: «کلیسا در اتحاد جماهیر شوروی سابق از دولت جدا شده و مدرسه از کلیسا»^۱. که از آن به عنوان «قانون آزادی وجدان»^۲ نام برده شده است. در ارتباط با روابط میان کلیسا و دولت می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

- در روسیه، هیچ مذهبی نمی‌تواند اجباری باشد.
- دولت در امور کلیسا دخالت نمی‌کند و وظایف حکومتی خود را به سازمان‌های مذهبی منتقل نمی‌کند.
- دولت با سازمان‌های دینی در حفاظت از آثار تاریخی فرهنگی و آموزش و پرورش همکاری می‌کند. تدریس مواد درسی دینی در مدارس بصورت اختیاری امکان‌پذیر است. برابر با ماده‌ی سیزدهم^۳:
- (۱) در فدراسیون روسیه تنوع ایدئولوژیک مورد تأیید است.
- (۲) هیچ ایدئولوژی به عنوان ایدئولوژی دولتی و یا اجباری نمی‌تواند وجود داشته باشد. برابر با ماده‌ی چهاردهم:
- (۱) فدراسیون روسیه یک دولت غیر مذهبی است هیچ مذهبی نمی‌تواند مذهب دولتی و یا اجباری باشد.
- (۲) مجامع مذهبی از دولت جدا هستند و در برابر قانون یکسان می‌باشند. برابر با ماده‌ی بیست و هشتم:
- آزادی عقیده، آزادی مذهب، از جمله حق پیروی فردی یا جمعی از مذهب، یا عدم

1. Конституции РФ 1977 г. (ст.52): «Церковь в СССР отделена от государства и школа — от церкви», журнал «НГ-Религии», 2001 г.
 2. Фонд им. Питирима Сорокина, Федеральный закон о свободе совести и о религиозных объединениях, <http://www.pravmir.ru/cerkov-otdelena-ot-gosudarstva/>
 3. Конституции РФ 1977 г. , ст.13.

اعتقاد به مذهب، انتخاب آزاد و داشتن مذهب و تبلیغ برای آن و دیگر اعتقادات و عمل بر اساس آن برای همه تضمین گردیده است.^۱

مشکل اصلی در ارتباط با قوانین، برداشت متفاوت از کلمه‌ی «حکومت» است که از یک طرف، نظام سیاسی و سازمان اجتماعی، و از طرف دیگر جامعه و کل کشور را در بر می‌گیرد. قانون اساسی فدراسیون روسیه (از ۱۹۹۳م) فدراسیون روسیه را به عنوان یک دولت سکولار معرفی می‌کند.^۲ قانون اساسی «آزادی وجدان، آزادی مذهب از جمله حق بیان ایمان و عقیده، به صورت فردی یا اجتماعی با سایر مذاهب و یا نداشتن هیچ گونه مذهبی آزاد می‌باشد، و فرد حق دارد آزادانه برای خود مذهب انتخاب کند و اعتقادات دینی خود را نشر و گسترش دهد و طبق آنها عمل کند».^۳ قانون فدرال ۲۶ سپتامبر سال ۱۹۹۷م به شماره ۱۲۵-ФЗ «در باره‌ی آزادی وجدان و انجمنهای دینی» «برابری در مقابل قانون بدون در نظر گرفتن مذهب یا عقیده» را یکبار دیگر تأیید می‌کند.^۴

محدودیت‌های مذهبی و ملی، که در قوانین روسیه تزاری تصویب شده بودند، ۲۰ مارس ۱۹۱۷م توسط دولت موقت لغو شد. در روسیه هیچ ارگان دولتی فدرال خاصی که وظیفه‌ی نظارت و کنترل بر رعایت قوانین انجمن‌های مذهبی را داشته باشد، وجود ندارد (همانند همان چیزی که در اتحاد جماهیر شوروی سابق بنام شورای امور دینی زیر نظر شورای وزرای اتحاد جماهیر شوروی سابق وجود داشت) اما طبق نظر کارشناسان^۵ در جولای ۲۰۰۸م اصلاحاتی در قانون فدرال مبنی بر «آزادی وجدان و انجمنهای دینی» صورت گرفت که در ۲۶ سپتامبر ۱۹۹۷م توسط قوه‌ی مجریه به اجراء در آمد. «۲۶ اوت ۲۰۰۸م گزارش داده شد که به فرمان رئیس جمهور جمهوری تاتارستان م. شامییف، شورای امور دینی زیر نظر کابینه‌ی وزیران تاتارستان به اداره‌ی امور دینی تبدیل شد، بدین ترتیب شورای امور دینی به یک نهاد قدرتمند دولتی تبدیل شد».^۶

۱. کولایی، الهه، *قوانین اساسی فدراسیون روسیه و جمهوریهای آسیای مرکزی*، چاپ اول، تهران، نشر دادگستر، ۱۳۷۷ش.

۲. Конституции РФ, стр. 14

۳. Конституции РФ, стр. 28

۴. Федеральный закон от 26 сентября 1997 г. № 125-ФЗ «*О свободе совести и о религиозных объединениях*».

۵. Белый дом уполномочен объявить... Никаких гарантий, что «религиозное министерство» в России не возродится, власть никогда не давала. И Медведев дает сигнал, что возродить его она уже готова, portal-credo.ru 6 августа 2008 г.

۶. В Татарстане начинает работу Управление по делам религий при республиканском правительстве IslamRF.ru 26 августа 2008 г.

بنا به گفته‌ی رئیس «جنبش عمومی روسیه»^۱ و سیاستمدار پاول سویتنکووا^۲ (ژانویه ۲۰۰۹م)، کلیسای ارتدوکس روسیه عملاً جایگاه و موقعیت ویژه‌ای را در جامعه‌ی معاصر روسی و زندگی افراد سیاسی به خود اختصاص می‌دهد: «در زمان استالین به کلیسای ارتدوکس روسیه به عنوان یک نهاد نوپا اجازه‌ی احیاء و فعالیت داده شد، کلیسای ارتدوکس روسیه در آغاز در اتحاد جماهیر شوروی و پس از آن در روسیه به عنوان یک جزء خودمختار محسوب می‌شود. ضمن اینکه کلیسا در ردیف حکومت قرار گرفته و به حکومت مشروعیت می‌بخشد»^۳.

در اواخر سال ۱۹۹۰م «مبانی فرهنگ ارتدوکس» به عنوان درس اختیاری در دبیرستانهای دولتی برخی از مناطق کشور روسیه آغاز شد. از سال ۲۰۰۶م در چهار استان: بلگارودسکی، کالوژسکی، بریانسکی و اسمولنسک «مبانی فرهنگ ارتدوکس» به عنوان دروس اجباری در مدارس تدریس شد. از سال ۲۰۰۷م به بعد اینگونه برنامه‌ریزی شد که مناطق دیگری را نیز به آن اضافه نمایند^۴.

بخش دوم: تحقق این رابطه در تاریخ روسیه

الف. دوره متقدم اتحاد شوروی

در اوایل قرن بیستم و قبل از حاکمیت نظام بلشویکی در روسیه، سه گرایش عمده‌ی فکری از یکدیگر قابل شناسایی بودند: نخست در زمینه‌ی هویت روسیه که حوزه‌ی سیاست خارجی روسیه را در برمی‌گرفت، یک جریان فکری که تکیه بر فرهنگ، معنویت و دین داشت، تحت عنوان «ایده‌ی روسی» شکل گرفت. دوم، یک دیدگاه جامعه‌شناختی وجود داشت که ضد‌مذهب بود و در چارچوب مارکسیسم در روسیه مورد توجه قرار گرفت. این ایدئولوژی بعد از دو دهه به ایدئولوژی حکومت شوروی تبدیل شد و مشروعیت‌بخش حکومت شوروی بود.

سوم، گرایش ناسیونالیستی بود که راه به جایی نبرد ولی حضورش را همچنان در تاریخ روسیه حفظ کرده است.

در ۵ مارس ۲۰۰۳م در میزگرد «ارتدوکس و اسلام در روسیه در قرن بیستم»، اولگا یوریونا واسیلیوا^۵، دکترای علوم تاریخی، رئیس گروه مطالعات مذهبی آکادمی علوم

1. Русское Общественное Движение

2. Павел Святенков

3. Цели пастыря. Патриарх Кирилл попытается стать Путиным для церкви Частный корреспондент 28 января 2009.

4. «Основы православной культуры» с 1 сентября начинает превращаться в обязательный предмет, Обзор российской прессы, **Российская газета**, 20 августа 2003г.

5. Ольга Юрьевна Васильева

روسیه زیر نظر رئیس جمهور فدراسیون روسیه، گزارشی را ارائه نمود که در آن روابط دولت - کلیسا را از تاریخ ۱۹۱۷ لغایت ۱۹۹۱م به شش دوره مهم تقسیم نموده است که همراه با تغییر و تحول بوده است، وی همچنین سیاست دولت - کلیسا را هم بخشی از سیاست‌های داخلی کشور دانسته است.

۱. ۱۹۱۷-۱۹۲۹م

۲. ۱۹۲۹-۱۹۴۳م

۳. ۱۹۴۳-۱۹۵۳م

۴. ۱۹۵۳-۱۹۵۸م

۵. ۱۹۵۸-۱۹۶۴م

۶. ۱۹۶۵-۱۹۹۱م

سال ۱۹۱۷-۱۹۲۹م در این دوره، دولت به عنوان دولت سکولار شناخته می‌شود، از همین رو کلیسا از دولت جدا شده است، اموال کلیسا ملی شده، مدرسه از کلیسا جدا شده و شهروندان حق آزادی وجدان را دریافت نمودند. از لحاظ حقوقی این شرایط در فرمان ۲۳ ژانویه ۱۹۱۸م بیان شده است با عنوان جدایی کلیسا از دولت و مدرسه از کلیسا که در نتیجه‌ی آن کلیسا از حمایت قانونی دولت محروم و زندگی کلیسایی از زندگی عمومی کشور جدا شد. جدایی کلیسا از دولت توسط مقامات دولتی به کارهای سرکوبگرانه منتهی شد. از سال ۱۹۲۲م، مبارزه با کلیسا با دو شیوه‌ی آشکار (با سکولارها و بیخدایان تمامی توده‌ها) و مخفیانه (با نیروهای کمیسیون حوادث غیرمترقبه^۱، اداره‌ی سیاسی دولتی^۲، اداره‌ی صنفی سیاسی دولتی^۳، کمیساریای امور داخلی^۴، وزارت امنیت دولتی^۵، کا.گ. ب. کمیته‌ی امنیت دولتی^۶) (تمامی ارگانهای یاد شده کمیته‌های امنیت دولتی اتحاد جماهیر شوروی) آغاز شد.

اما شروع جنگ بزرگ میهنی قدرت معنوی کلیسای روسیه را نشان داد. شکل مهم مشارکت معنوی کلیسا پیام پاتریارک جانشین اسقف اعظم سرگی به اسقفهای اعظم و مردم غیر روحانی دیگر بود که نه تنها مشخصه‌ی دعوت و اتحاد را به همراه داشت بلکه

۱. ВЧК
۲. ГПУ
۳. ОГПУ
۴. НКВД
۵. МГБ
۶. КГБ

دربرگیرنده‌ی اهداف روشنگرانه‌ای هم بود که در آن موضع محکم کلیسای ارتدوکس روسیه در برابر اشغالگران و جنگ را به طور کلی بدون در نظر گرفتن شرایط جبهه مشخص می‌نمود.^۱

اما کلیسای روسیه نه تنها از نظر اخلاقی و مادی به جبهه کمک کرد، بلکه بسیاری از کشیشان همراه با سربازان و افسران عازم جنگ شدند، و بعضی از آنها هم در جنبشهای چریکی و پارتیزانی شرکت نمودند. دولت پس از ارزیابی پتانسیل معنوی کلیسای ارتدوکس روسیه در طول دوره‌ی اولیه‌ی جنگ، رابطه‌ی خود را با کلیسا نه تنها تغییر داد بلکه به سمت تغییر شیوه‌های تأثیرگذاری بر کلیسا و استفاده از آن در سیاستهای داخلی و خارجی خود، پیش رفت.

سال‌های ۱۹۴۳-۱۹۵۳ م دوره‌ی سوم از رابطه‌ی دولت - کلیسا که دوره‌ی جدیدی از تاریخ شوروی را می‌گشاید. سال ۱۹۴۳ م نقطه‌ی آغاز خودداری دولت از طرح‌های خود که جهت تخریب و سرکوب مذهب و کلیسا که در دهه‌های پیش از جنگ اجراء می‌کرد، بود. در این دوره دولت تمامی طرحهای تخریبی و سرکوبگرانه خود را رها کرد و به سمت احیای زندگی کلیسایی در کشور البته تحت کنترل شدید خود گذر نمود. بازسازی زندگی کلیسایی به سرعت در حال گذر بود به عبارت دیگر می‌توان این دوره را دوره‌ی گذر هم نامید:

- ۴ سپتامبر ۱۹۴۳ م - دیدار استالین با اسقف اعظم سرگی (استرا گورادسکی)، آلکسی (سیمانسکی)، نیکلای (باروشویچ) در کاخ کرملین.
- ۸ سپتامبر ۱۹۴۳ م - آغاز به کار جلسه‌ی شورای اسقف روسی (۱۶ نفر از ۱۹ نفر از اردوگاه‌ها و تبعیدگاه‌ها منتقل شدند). جلسه‌ی اسقف اعظم سرگی با پاتریارک مسکو و سراسر روسیه برگزار شد.
- ۱۲ سپتامبر، مراسم تحلیف در کلیسای جامع ظهور و تجلی عیسی برگزار شد.
- ۱۴ سپتامبر ۱۹۴۳ م شورای کمیساریای ملی اتحاد جماهیر شوروی، تأسیس شورایی در زمینه امور مربوط به کلیسای ارتدوکس روسیه را تصویب نمود، و وظیفه‌ی برقراری ارتباط بین دولت و پاتریارک مسکو را بر عهده آن نهاد.
- در ماه سپتامبر سال ۱۹۴۳ م، انتشار مجله‌ی «پاتریارک مسکو» از سر گرفته شد؛
- ۲۸ نوامبر ۱۹۴۳ م شورای کمیساریای ملی مجوز بازگشایی مؤسسه‌ی الهیات در مسکو و دوره‌های پاستیرسکی (حوزوی) را داد (که در سال ۱۹۴۶ م به آکادمی معنوی و مدرسه علوم دینی تبدیل شدند).

1. Васильева, Ольга, *Государственно-церковные отношения советского периода: периодизация и содержание*, 17.03.2003. <http://www.pravoslavie.ru/archiv/sovietstate-church.htm>

• از فوریه ۱۹۴۴م انتقال معابد کلیسا آغاز شد. در مناطق آزادشده از دست نازی‌ها (فاشیست‌ها) جمعیتها و گروههایی که در دوران اشغال تأسیس شده بودند، همچنان به فعالیت خود ادامه دادند.

از سده‌های پیش، کلیسای ارتدوکس تأثیری بسزا بر حیات فرهنگی ملت روس داشته است، چنان که شاید بتوان گفت مهم‌ترین محور و بنیان سامان‌گیری فرهنگ در روسیه از صدها سال پیش تاکنون (یا دست‌کم تا پایان سده‌ی نوزدهم)، مسیحیت ارتدوکس و به طور ویژه نهاد کلیسای ارتدوکس بوده است. ابعاد ملی‌گرایانه کلیسای ارتدوکس روسیه بر کسی پوشیده نیست و این امر کلیسا را در آن سرزمین از یک نیروی روحانی صرف خارج می‌کند.

این پرسش که آیا مسیحیت اساساً با تجدید حیات فردی سر و کار دارد یا با بازسازی جامعه، در بین مسیحیت ناهم‌رنگ با جماعت و مسیحیت قائل به سازگاری و انطباق مسأله‌ای بنیادی نیست. این بحث تا حدی بخشی از شکل‌های مختلف مسیحیت است؛ هم مسیحیان ناهم‌رنگ با جماعت و هم مسیحیان سازگار شده، نیاز به تجدید حیات فردی را احساس می‌کنند و برای تحول جامعه نیز می‌کوشند. تفاوت این مواضع در نحوه‌ی نگرش آنان به کلیسا و نقش آن در جامعه است. ناهم‌رنگان با جماعت، کلیسا را تحقق‌بخش نوعی کارکرد مهم پیامبرانه در جامعه می‌دانند؛ آنان کلیسا را کانون نقد اجتماعی قوی و شاهدهی بر یک بدیل اساسی می‌دانند. مسیحیان سازگار شده کلیسا را یاور و مربی اخلاقی می‌دانند؛ آنان چون کلیسا را نهادی می‌دانند که همکاری بنیادی با دولت دارد، از این‌رو غالباً خواهان تحول تدریجی‌اند. اطمینان آنان به ساختارهای اجتماعی در خواست آنها به تحول جامعه از طریق آرای آنان و مشارکتشان در مناصب عمومی آشکار می‌شود.^۱

سازش کلیسا و دربار و خادمان کلیسا و حکومت در سراسر تاریخ مسیحیت قاعده‌ی کلی بوده است و برخوردهای این دو مقام بیشتر برای تثبیت قدرت نه در جهت حفظ منافع مردم صورت گرفته است. دربارها دارای اسقف‌های مخصوص بودند و مراسم خصوصی درباریان هم از عنایات خاص خدای کلیسا برخوردار می‌شد. در حالی که توده‌ی مردم در بدبختی و زیر فشار به سر می‌بردند، کلیسا چون درباری با شکوه و جلال

۱. جو ویور، مری، در/مدی به مسیحیت، حسن، قنبری، چاپ اول، قم، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب،

اداره می‌شد و نمایندگان عیسی پای برهنه و جانشینان پطروس ماهیگیر به یمن سازش با حکومت در قصور مجلل و با پوشش‌های گرانبها و رداهای زربافت زندگی فقیرانه‌ای می‌گذراندند (و هنوز هم به این زندگی تجملاتی ادامه می‌دهند).

چون خادمان کلیسا به دربار پیوستند و به حکومت آلوده شدند، فرهنگ کلیسا به آدم‌کشی و اعمال زور، جنگ‌های صلیبی و لشگرکشیهای مذهبی و سرکوبی مخالفان متمایل گردید و تجمل و فساد جانشین زندگی ساده و بی‌تکلف پدران اولیه شد. پس از اصلاحات و رنسانس به تدریج از قدرت کلیسا کاسته شد و به خصوص در اختیارات سیاسی و دخالت در امر حکومت بسیار محدود گردید. محدودیت کلیسا رابطه‌ی مستقیم با شعور و معرفت و پیشرفت فکری مردم جامعه داشته است و به روشنی دیده می‌شود که در جوامع پیشرفته این محدودیت موجب تسریع بالندگی و پیشرفت آنان گردیده است. در اثر این محدودیت و محروم شدن از مداخله در امر دولت، رفته‌رفته کلیسا دوباره به دفاع از حقوق محرومان متمایل می‌گردد و در کشورهای نظیر آفریقای جنوبی، شیلی و در مقابل دولت به صف آرائی می‌پردازد.^۱

ب. دوره‌ی میانی اتحاد شوروی

دوره‌ی چهارم ۱۹۵۳-۱۹۵۸م با مصوبه کمیته‌ی مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی در ۷ ژوئیه سال ۱۹۵۴م در خصوص کمبودها و کاستی‌ها در تبلیغات علمی و غیرمذهبی آغاز می‌شود. در این سند سیاست‌های گذشته‌ی دولت نسبت به کلیسا بررسی و محکوم شد.

در حدود سال ۱۹۵۷م تعداد کلیساهای ثبت شده در اتحاد جماهیر شوروی حدود ۱۳۴۷۸ بود و تعداد راهبان هم ۱۲۲۸۸ نفر بود. از ۷۰ شورای اسقفی حاکم نیمی از آنها در کارنامه‌ی زندگیشان زندان، تبعید و اردوگاه را داشتند.

دوره‌ی پنجم روابط کلیسا - دولت ۱۹۵۸-۱۹۶۴م - پر از رخدادهای فاجعه‌آمیز برای کلیسا بود. رهبر اتحاد جماهیر شوروی در کوتاه‌ترین زمان ممکن مشکلات مذهبی در کشور را حل کرد. این امر بنا به دلایلی مشکلاتی را به همراه آورد: تمایل به ایجاد کمونیسم در اتحاد جماهیر شوروی، و اعتقاد به اینکه ایدئولوژی کمونیستی آنها را از میراث استالین نجات خواهد داد، و امکان جایگزین یا آلترناتیو مذهبی هم منتفی

۱. آشتیانی، جلال الدین، تحقیقی در دین مسیح، چاپ دوم، تهران، نشر نگارش، ۱۳۷۹ش، ۴۹۰.

می‌گردد. بخشی از جامعه‌ی شوروی نسبت به مقیاس بزرگی از فعالیت‌های ضد مذهبی و احساسات دموکراتیک «دهه‌ی شصت، بی‌تفاوت بودند و بر این باور بودند که در اتحاد جماهیر شوروی این امکان وجود دارد که دولت اجتماعی و عدالت محور و آگاه ایجاد گردد که در آن هیچ جایی برای مسیحیت در نظر گرفته نشده است. جابجایی کادر و پرسنل نقش مهمی را ایفاء نمود. رهبران سازمان کمونیستی جوانان تصمیم قاطعی برای مبارزه با کلیسا داشتند در عین حال پیشنهاد قطع روابط با کلیسا، همانند میراث استالینی را ارائه نمودند. خروشچف معتقد بود که در دوران گذار اتحاد جماهیر شوروی به روابط قبل از کمونیستی اشاعه‌ی دانش علمی، مطالعه‌ی قوانین طبیعت دیگر جایی برای ایمان به خدا باقی نمی‌گذارد.^۱

ج. دوره‌ی متأخر اتحاد شوروی

چنانچه بخواهیم در مورد دوره‌ی ششم ۱۹۶۵-۱۹۹۱ م صحبت کنیم، این دوره از لحاظ محتوای درونی جزء جدایی‌ناپذیر دوره‌ی پنجم می‌باشد.

در آگوست ۱۹۷۰ م تغییر و بازسازی ساختار کلیسا و تلاش در جهت کنترل فعالیت‌های اتحادیه‌های مذهبی از طرف دولت آغاز شد، دولت معتقد بود که تنها از طریق اصلاحات می‌توان کلیسا را در چارچوب قانون قرار داده، و آن را در اختیار گرفت، سازماندهی و کنترل مؤثر بر فعالیت‌های خادمین کلیسا اعمال نمود.

اصلاحات توسط فرمان محرمانه‌ی شورای وزیران اتحاد جماهیر شوروی در ۱۶ ژانویه ۱۹۶۱ م راجع به تشدید کنترل بر فعالیت‌های کلیسا به تصویب رسید. این سند تمام قوانین تصویب شده در طول جنگ بزرگ میهنی و اولین دوره‌ی پنج ساله پس از جنگ را لغو کرد. در این سند شش حوزه‌ی اصلی سیاست کلیسا - دولت برای دهه‌های آینده در نظر گرفته شده بود:

۱. تغییر بنیادین اداره‌ی کلیسا، حذف خادمان کلیسا از امور اداری، مالی و تجاری در اتحادیه‌های مذهبی، که موجبات سست شدن قدرت خادمین کلیسا در برابر متدینان می‌گردید.
۲. احیای حق اداره ارگانهای انجمنهای مذهبی که از میان خود مؤمنان انتخاب شده است.
۳. توقف همه‌ی کانال‌های فعالیت‌های خیریه‌ی کلیسا که پیش از این به طور گسترده‌ای برای جذب گروه‌های نوینی از مؤمنان استفاده می‌شد.

1 . Васильева, Ольга, *Государственно- церковные отношения советского периода: периодизация и содержание.*

۴. حذف هر گونه امتیازی برای خادمان کلیسا در رابطه با مالیات بر درآمد، بستن مالیات بر آنها به عنوان صنعتگران مستقل، قطع خدمات اجتماعی دولت برای پرسنل شهروندی کلیسا، حذف خدمات اتحادیه‌های صنفی.

۵. حمایت کودکان از نفوذ و تأثیر مذهب.

۶. محدود کردن انگیزه‌های مادی خادمان کلیسا، که بدین‌وسیله بتوانند فعالیت آنان را کاهش دهند.

در سال ۱۹۷۱م تعداد کشیشان ثبت شده کلیسای روسیه حدود ۶۲۳۴ نفر بود که با گذشت چهار سال به ۵۹۹۴ کاهش یافت. تقریباً نیمی از آنها نزدیک ۶۰ سال سن داشتند، و در حدود هزاران نفر هم تحصیلات الهیاتی داشتند، و تنها تعدادی از روحانیون تحصیلات خود را به صورت غیر حضوری فرا گرفتند. تعداد صومعه‌ها هم پس از اصلاحات کلیسای خروشچف تا مدت طولانی بدون تغییر باقی ماند.

بهار سال ۱۹۸۵م، گورباچف در کرملین با شورای اسقفهای کلیسای ارتدوکس روسیه دیداری داشت. این یک حرکت تاکتیکی و درست یکی از نخستین گامها در جهت تجدید حیات معنوی جامعه بود. و کلیسا فرصت واقعی جهت آماده شدن برای روز سالگرد را پیدا کرد (اگر چه در پایان آوریل ۱۹۸۸م مقامات دولت برای اعلام جشن مراسم سالگرد و بازگشایی کلیسای محلی موافقت نمودند). اما با تمام اینها آن برگزار شد و از سال ۱۹۸۸م کلیسا امکان گسترش فعالیت‌های خود در زمینه‌های مختلف را یافت: آموزش و پرورش، چاپ و نشر، مبلغ مذهبی و خیریه. و از همین‌رو با فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی تمام مظاهر دینی از حافظه‌ی تاریخی مردم به صحنه‌ی زندگی بازگردانده شدند و بازیابی و احیای مجدد تشکیلات از بین رفته مذهبی، به همت متدینان پس از فروپاشی شوروی آغاز شد. مسیحیان در احیای کلیسا کوشیدند و مسلمانان در پی احیای مساجد برآمدند.^۱

د. دوره‌ی پس از فروپاشی شوروی

از تاریخ ۱۰ ژوئن ۱۹۹۰م نماینده‌ی کلیسا - اسقف اعظم مسکو و سراسر روسیه آلکسی دوم - در شورای محلی ۱۹۹۰م انتخاب شد. ترکیب کلیسای ارتدوکس روسیه دربردارنده‌ی اسقف اعظم روسیه، اوکراین، بلاروس و کشورهای مشترک‌المنافع دیگر،

1 . Васильева, Ольга, *Государственно- церковные отношения советского периода: периодизация и содержание*. <http://www.pravoslavie.ru/archiv/sovietstate-church.htm>, 17.03.2003.

اروپای غربی، و همچنین پریخود^۱ ها و پادور^۲ های سراسر جهان می‌باشد. یکی از ویژگی‌های قابل توجه تاریخی کلیسای ارتدوکس روسیه از سال ۱۹۹۱م (فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی) به بعد ماهیت فرا ملی آن و حقوق منحصر به فرد آن در مرزهای اتحاد جماهیر شوروی سابق می‌باشد.

پس از شوروی با سه رویکرد متفاوت مواجهیم:

۱. ایده‌ی رهبری مقدس و اینکه روسیه نیاز به یک حاکم مطلق که به نوعی مشروعیت خود را از کلیسا بگیرد، نیاز دارد. ایوان ایلین که از مخالفان شوروی بود و در خارج زندگی می‌کرد طرح مدوتی را عرضه کرد که حاکمیت قانون نام داشت و مبتنی بر استبداد قانون با حمایت کلیسای ارتدوکس بود. این اندیشه به دنبال احیای امپراطوری بیژانس بود. بعضی افراد برای این تز نسخه‌ی یهودی پیچیدند و در سخنان بعضی از سیاستمداران به صورت جدی این تئوری شکل گرفت. این رویکرد برای اسلام و مسلمانان جایگاه جدی قائل است و به غرب به عنوان دشمن نگاه می‌کند.

۲. گرایش یا ایده‌ی بازگشت به عصر نقره‌ای که بازگشت به فرهنگ و هنر کلیسای ارتدوکس و فرهنگ و هنر معنوی را مورد تأکید قرار می‌داد. این ایده بسیار متأثر از کلیسا بود و مکاتبی نیز بعد از فروپاشی، برای تجدید مکاتب قبلی عصر نقره‌ای بروز کرد.

۳. در حوزه‌ی سیاست، رویکردی عرضه شد به نام رویکرد متعادل که بر آرای روزنامه‌نگاری به نام منشیکوف، که در اوایل قرن بیستم می‌گفت باید از بهترین شیر پاک مادران روسی تغذیه کنیم و در بهترین هوای آزاد اروپایی تنفس کنیم، مبتنی بود. بدون شک کلیسای ارتدوکس روسیه - نهاد اسقف اعظم مسکو - بزرگترین و تأثیرگذارترین سازمان مدرن مذهبی روسیه است. اسقفهای ارشد کلیسای ارتدوکس روسیه، نخبگان سیاسی کشور به شمار می‌آیند، آنان در فعالیتهای مؤسسات تخصصی آموزشی دفتر ریاست جمهوری که هماهنگ با کمیته‌های دومای دولتی می‌باشد، شرکت می‌کنند و بعنوان اعضای اتاق بازرگانی عمومی فدراسیون روسیه شمرده می‌شوند، کلیسای ارتدوکس روسیه مشارکت فعالانه و روابط متقابلی با تعداد قابل ملاحظه‌ای از مؤسسات دولتی دارد. از سوی دیگر، می‌توان گفت کلیسای ارتدوکس روسیه در روسیه، به لحاظ سیاسی در اتخاذ تصمیم‌گیری‌های دولتی و به طور همزمان تصمیمات علنی مشارکت ندارد. از تاریخ ۱ سپتامبر ۲۰۰۶م اصول فرهنگ ارتدوکس در

1 . Приход

2 . Подворье

۱۵ منطقه‌ی روسیه فرا گرفته می‌شود. به گفته‌ی نویسنده‌ی مقاله‌ی روزنامه‌ی لس آنجلس تایمز^۱، کلیسای ارتدوکس روسیه به طور غیر مستقیم دست کم ۴۰ نفر از نمایندگان مجلس را کنترل می‌کند که به اعتقاد وی این امکان به طور موفقیت آمیزی به تصویب قانون در دوما منجر شده است، که به کمک آن دست کم استفاده آزاد کلیساها از زمین‌های دولتی به ارزش ده‌ها میلیون دلار که در آنها ساختمانهای مذهبی قرار دارد را تضمین می‌کند.^۲

در طول ۱۵-۲۰ سال گذشته دگرگونیها و تحولات شایان توجهی در مطبوعات ارتدوکس روسیه صورت گرفته است. پیش از هر چیز، این مسأله مربوط به کمیت مطبوعات می‌باشد. اگر ۲۰ سال پیش در روسیه تنها یک نشریه دوره‌ای ارتدوکس - مجله‌ی اسقف اعظم مسکو - وجود داشت، ولی در حال حاضر هزاران گونه از آنها وجود دارد، در کتابخانه سینود حدود ۹۰۰ روزنامه با نامهای روزنامه‌ی ارتدوکس به همراه چند صد شماره مجله گردآوری شده است. به طور خلاصه، در طی سالهای اخیر هزاران شماره از نشریات دوره ای ارتدوکس منتشر شده است.

بنگاه انتشارات کلیسای ارتدوکس روسیه مجله‌ی «اسقف اعظم مسکو»^۳، سالنامه‌ی «فعالیت‌های مذهبی»^۴، مجله‌ی «سوتینیک»^۵ و روزنامه‌ی «اخبار کلیسا»^۶ را منتشر می‌کند.

به گزارش خبرگزاری اینترفکس دین، اسقف اعظم مسکو و سراسر روسیه آلکسی دوّم اظهار نموده است که به تعداد کلیساهای ارتدوکس طی ۲۰ سال اخیر در روسیه تقریباً چهار برابر افزایش یافته است.

در مصاحبه‌ی منتشر شده توسط مجله‌ی فرانسوی «پاری ماچ»، اسقف اعظم مسکو و سراسر روسیه آلکسی دوّم با استناد به آمار سال ۱۹۸۶م اعلام داشته است که در کشور تنها ۶۸۰۰ کلیسای ارتدوکس شمارش شده است، در حالی که امروز آنها را ۲۷ هزار عدد برآورد کرده‌اند، که تنها ۱۸ صومعه‌ای که آن زمان وجود داشت در حال حاضر حدود ۶۸۰ عدد می‌باشد. تعداد روحانیون و راهبان و راهبه‌ها هم در این آمار افزایش یافته است. در مسکو، به تنهایی، ۱۷۰۰ کشیش و دیاکون وجود دارد.

1 . Los Angeles Times

2 . В России растёт влияние Церкви ,

<http://www.newsru.com/arch/religy/01oct2004/rpc.html>, 1 октября 2004 г., 15:48

3 . Журнал Московский патриархии

4 . Богословские труды

5 . Светильник

6 . Церковный вестник

۵. دوره‌ی جدید روسیه (۱۹۹۱-۲۰۱۰م)

در هر ساختار امپراطوری یک هویت جهان وطنی وجود دارد که غیر بومی است و مردم آن مرز و بوم نسبت به آن احساس تعلق ندارند. بدین‌سان، پس از فروپاشی امپراطوری‌ها، نژادپرستی گسترش می‌یابد. روسیه‌ی امروز نماد این وضعیت است. جوانانی که در دوران یلتسین بزرگ شده‌اند نه نسبت به دوران شوروی نگاه مثبتی دارند و نه نسبت به غرب. آنان تمایل بسیاری به افراط‌گرایی در زمینه‌ی هویت روسی خود دارند و همین امر خطر نژادپرستی را به شکل فاشیسم، افزایش داده است. نکته‌ی مهم در این رابطه آن است که نهادهای دولتی در روسیه قادر نیستند با این نژادپرستی مبارزه کنند. اما در زمینه‌ی سیاست خارجی، طبقه‌ی حاکم با ایجاد محدودیت‌هایی برای نژادپرستی، مانع از آن شده است که این مسأله در سیاست‌های دولت تأثیر بگذارد و به همین دلیل باید اشاره کرد که این مسأله تأثیری منفی بر روابط روسیه با ایران هم نمی‌گذارد.

قبل از انقلاب بلشویکی، هویت روسی چهار محور اصلی داشت: ۱- تزار ۲- کشاورزان ۳- دین ارتدوکس ۴- زبان و ادبیات روسی.

بسیاری از روس‌ها پس از رویارویی با مشکلات فراوانی که به دلیل رابطه‌ی غیرمنطقی با غرب به وجود آمده بود، دچار از خود بیگانگی شدند و به همین دلیل در دوره‌ی پوتین شاهد بازگشت به هویت روسی و وطن‌پرستی هستیم. ملی‌گرایی در روسیه، امروزه تبدیل به عنصر بسیار مهمی شده است. روس‌ها معتقدند که اگرچه پس از فروپاشی شوروی ایدئولوژی کنار گذاشته شده، اما ملی‌گرایی جای ایدئولوژی را گرفته است. این مطلب آن گاه اهمیت بیشتری می‌یابد که توجه داشته باشیم به تاژگی بین دو قطب ارتدوکس، بخشی که پس از انقلاب اکتبر به آمریکا رفته بودند و شاخه‌ای از ارتدوکس که در داخل حضور دارند، ائتلاف و هم‌گرایی به وجود آمده است.

نتیجه‌گیری

از نتایج به دست آمده در این نوشته این‌گونه برمی‌آید که زمانی که مقابله با تهدید خارجی یا مبارزه با فعالیت‌های تظاهراتی و تبلیغاتی در داخل کشور پیش بیاید، مذهب و سیاست با یکدیگر کار می‌کنند. با این حال، همواره در رابطه‌ی بین آنها تناقض یافت می‌شود. مبارزه‌ها و تلاش‌های پنهان و آشکار پیوسته برای تأثیر بیشتر بر جنبه‌های

گونگون زندگی اجتماعی صورت می‌گرفت. در طول تاریخ بشر در روابط متقابل بین دین و سیاست در برخی شرایط، عامل تعیین کننده‌ی دین است و در برخی شرایط دیگر این نقش را سیاست بازی می‌کند. به‌رغم اینکه مذهب، اغلب از سیاست به منظور تقویت موقعیتش استفاده می‌نماید، و سیاست هم بر مذهب در جهت تحقق اهداف خود تکیه می‌نماید، همچنان در میان آنها تناقض هم وجود داشته است، و بیشتر مبارزه برای نقش خود به عنوان یک عامل تعیین کننده در این رابطه‌ی متقابل وجود داشته است.

در روسیه کلیسا و دولت خدمات متقابلی به یکدیگر ارائه کرده اند و دولت روسیه همواره (به جز زمانی که دین‌زدایی در روسیه بر پایه‌ی آموزه‌های لنین در دستور کار قرار گرفت)، وامدار کلیسا بوده است و نیز در توسعه‌ی کلیسا کوشیده است.

ساختار سیاسی روسیه‌ی امروز فدراتیو است. بنیاد سیاسی همه‌ی ساختارهای فدراتیو بر پذیرش این فرضیه استوار است که تداوم حیات اجتماعی در گرو احترام به آراء و عقاید مختلف است. حال اگر کلیسای ارتدوکس روسیه بر راست‌دینی^۱ و انحصار طلبی ایدئولوژیک خود پافشاری کند، ضمن آنکه نیروی فراوانی برای خود نخواهد یافت، به گسستگی‌های اجتماعی و سیاسی بیشتر در روسیه دامن خواهد زد.

دین برای همبستگی جامعه و وحدت دولت ضروری است. در خصوص رابطه‌ی بین دین و دولت، این دو قدرت کاملاً متمایزند، زیرا آنها از سنخ‌ی متفاوت‌اند و هدف واحدی ندارند. آنها از هم مستقل‌اند و هر یک قلمرو خاصی دارند، ولی آنها باید متحد شوند تا از یکدیگر حمایت کنند. ولی وحدت هر دو به معنای ادغامشان، که به هر دو زیان می‌رساند، نیست. بدین‌سان، هر یک از این دو قدرت باید در قلمرو خودش باقی بماند و به قلمرو دیگری دست‌درازی نکند.

سودمندی دین برای جامعه به این خاطر است که دین به دلیل ویژگی تغییر ناپذیرش عامل ثبات اجتماعی است: «برای جامعه ضروری است که چیز ثابتی داشته باشد، و این دین است که ثابت است». از این رو منتسکیو تغییر دین را به خصوص در حکومت‌های استبدادی توصیه نمی‌کند، زیرا این دین است که ضامن همبستگی اجتماعی است و اعمال قدرت را تعدیل می‌کند: «حکومت، دین، آداب و رسوم و روحیات را یکباره تغییر نمی‌دهد».

در روسیه همواره دولت سعی در کسب مشروعیت معنوی خود و کلیسا هم به دنبال

به دست آوردن مقام معنوی خود بوده است، ولی با توجه به بررسی‌های به عمل آمده می‌توان گفت که در روسیه کلیسا و دولت همیشه و همواره به هم وابسته بوده‌اند. دولت نیز برای کسب مشروعیت به کلیسا نیازمند است، به عنوان مثال یلتسین قبل از سفرهای مهم خارجی با پاتریارک دیدار می‌کرد و به قول روس‌ها دعا می‌گرفت. مقامات ارشد سیاسی در مراسم مذهبی کلیسا شرکت می‌کردند. در زمان انتخابات پارلمانی همه‌ی گروه‌های سیاسی حتی کمونیست‌ها در کنفرانس خلق روس در کلیسا شرکت کرده از کلیسا برای خود مشروعیت می‌گرفتند دیدارهای مداوم یلتسین و مقامات کلیسا شائبه‌ی نزدیکی آنها به دولت را تقویت و کلیسا در گروه هواداران یلتسین قلمداد می‌شد.

در مراسم سیاسی بیشتر، یک عنصر مذهبی حضور دارد برای اینکه به رویدادهای سیاسی و مقامات اعتبار ببخشند. در بسیاری از کشورها، رئیس دولت به کتاب مقدس و یا به قرآن سوگند یاد می‌کند. جمعیت مسلمانان در روسیه در مناطق (تاتارستان، باشقیرستان، داغستان، اینگوشتیا، چچن و...) بارها و بارها خواستار آن شدند که رؤسای این جمهوریها هم، به همین شکل به قرآن سوگند یاد کنند.

در مراسم تحلیف اولین رئیس جمهور روسیه، از پاتریارک مسکو و سراسر روسیه آلکسی دوم برای طلب خیر دعوت شده بود. پاتریارک در مراسم انتقال قدرت به ریاست قوه‌ی مجریه، رئیس جمهور روسیه و.و. پوتین که از پاتریارک طلب خیر نمودند نیز حضور داشت.

و سرانجام اینکه تجربه‌ی تاریخی نشان می‌دهد که دین، همواره تأثیر پررنگی بر سیاست داشته است. تاریخ و دوره‌ی معاصر منابع زیادی را که حاکی از حضور اشکال مختلف تعامل و تأثیر متقابل بین دین و سیاست می‌باشد، را ارائه می‌دهد.

فهرست منابع

۱. ابراهیمی ترکمان، ابوذر، رویکردها و چالشهای کلیسای ارتدوکس روسیه، روزنامه‌ی اطلاعات، شماره ۲۴۲۶۷، ۲۹ مرداد، ۱۳۷۸ش.
۲. آشتیانی، جلال‌الدین، تحقیقی در دین مسیح، چاپ دوم، تهران، نشر نگارش، ۱۳۷۹ش.
۳. بخشنده آبکنار، حمید، نقطه نظرات کلیسای ارتدوکس روسیه در باب دین، صلح، آزادی و عدالت، دین و دولت، کشیش و سولت چاپلین (Priest Vsevolod Chaplin)، دانشگاه ادیان مذاهب، بی‌تا.
۴. بردیایف، نیکلای، منابع کمونیسم روسی و مفهوم آن، رضا، عنایت‌اله، چاپخانه شهر چاپ، انتشارات ایران زمین، ۱۳۶۰ش.

۵. بیلینگتون، جیمز، روسیه در جستجوی هویت خویش، ترجمه‌ی مهدی سنایی، تهران، مؤسسه‌ی فرهنگی مطالعاتی آسیای مرکزی و قفقاز، بی‌تا.
۶. جو ویور، مری، درآمدی به مسیحیت، حسن، قنبری، قم، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، ۱۳۸۱ش.
۷. کولایی، الهه، قوانین اساسی فدراسیون روسیه و جمهوریهای آسیای مرکزی، تهران، نشر دادگستر، ۱۳۷۷ش.
8. Белый дом уполномочен объявить... Никаких гарантий, что «религиозное министерство» в России не возродится, власть никогда не давала. И Медведев дает сигнал, что возродить его она уже готова, portal-credo.ru 6 августа 2008 г.
9. Васильева, Ольга, *Государственно- церковные отношения советского периода: периодизация и содержание*, 17.03.2003. <http://www.pravoslavie.ru/archiv/sovietstate-church.htm>
10. В Татарстане начинает работу Управление по делам религий при республиканском правительстве IslamRF.ru 26 августа 2008 г.
11. Документ. *Политика РПЦ МП: консолидация или развал страны? Открытое письмо академиков РАН президенту РФ В.В. Путину*, 24 Июля, 2007г. Сайт «Портал-Credo.Ru»
12. Журнал «НГ-Религии», 2001 г.
13. Ирхин Ю.В. *Политология*. – М., 1996.
14. *История Русской Православной Церкви. От восстановления Патриаршества до наших дней*. Т.1. 1917-1970. СПб: Воскресение, 1997.
15. Конституции РФ 1977 г. (ст.52): «Церковь в СССР отделена от государства и школа — от церкви», журнал «НГ-Религии», 2001 г.
16. Марущак Василий, протод. Святитель-хирург: *Житие архиепископа Луки (Войно-Ясенецкого)*. М.: Даниловский благовестник, 2003.
17. Нуруллаев А.А. О соотношении политики и религии, *Вестник Российского университета дружбы народов*. Сер.: Политология. – 2000, № 2 .
18. Опубликована подробная сравнительная статистика религиозности в России и Польше сайт Religare.ru 06 июня 2007.
19. «Основы православной культуры» с 1 сентября начинает превращаться в обязательный предмет, Обзор российской прессы, *Российская газета*, 20 августа 2003г.

20. Павлов Иннокентий. ОТЛОЖЕННЫЕ ПОРАЖЕНИЯ. Заметки церковного историка. Часть первая — «Дело Диомида» На portal-credo.ru 28 июля 2008 г.
21. Патриарх Алексей II высказывается за введение «Основ православной культуры» в российских школах
22. Пугачев В.П., Основы политической науки. *Учебное пособие*. В 2-х ч. Ч.1, – М., 1995.
23. Религиозные объединения Российской Федерации. М.: Республика, 1996; *Религия, свобода совести и государственно-церковные отношения в России*. Изд.2. М.: РАГС, 1997.
24. *Русская православная церковь, Что значит: «Церковь отделена от государства»*, Материал из Википедии — свободной энциклопедии, 10 декабря, 2009.
25. Смелзер Н. *Социология*. – М., 1994, стр.489.
26. Федеральный закон от 26 сентября 1997 г. № 125-ФЗ « *О свободе совести и о религиозных объединениях*».
27. Фонд им. Питирима Сорокина, Федеральный закон о свободе совести и о религиозных объединениях, <http://www.pravmir.ru/cerkov-otdelena-ot-gosudarstva/>
28. Цели пастыря. Патриарх Кирилл попытается стать Путиным для церкви Частный корреспондент 28 января 2009. <http://www.grani.ru/Society/Religion/m.153586.html>
29. Шкаровский М.В. *Русская Православная Церковь при Сталине и Хрущеве*. М.: Крутицкое Патриаршее Подворье, 1999.
30. Якунин Г. В., *Служении культу (Московская Патриархия и культ личности Сталина) Оп.: На пути к свободе совести*. М.: Прогресс, 1989, стр. 21.
31. <http://ru.wikipedia.org/>